



مرکز تحقیقات اسلامی

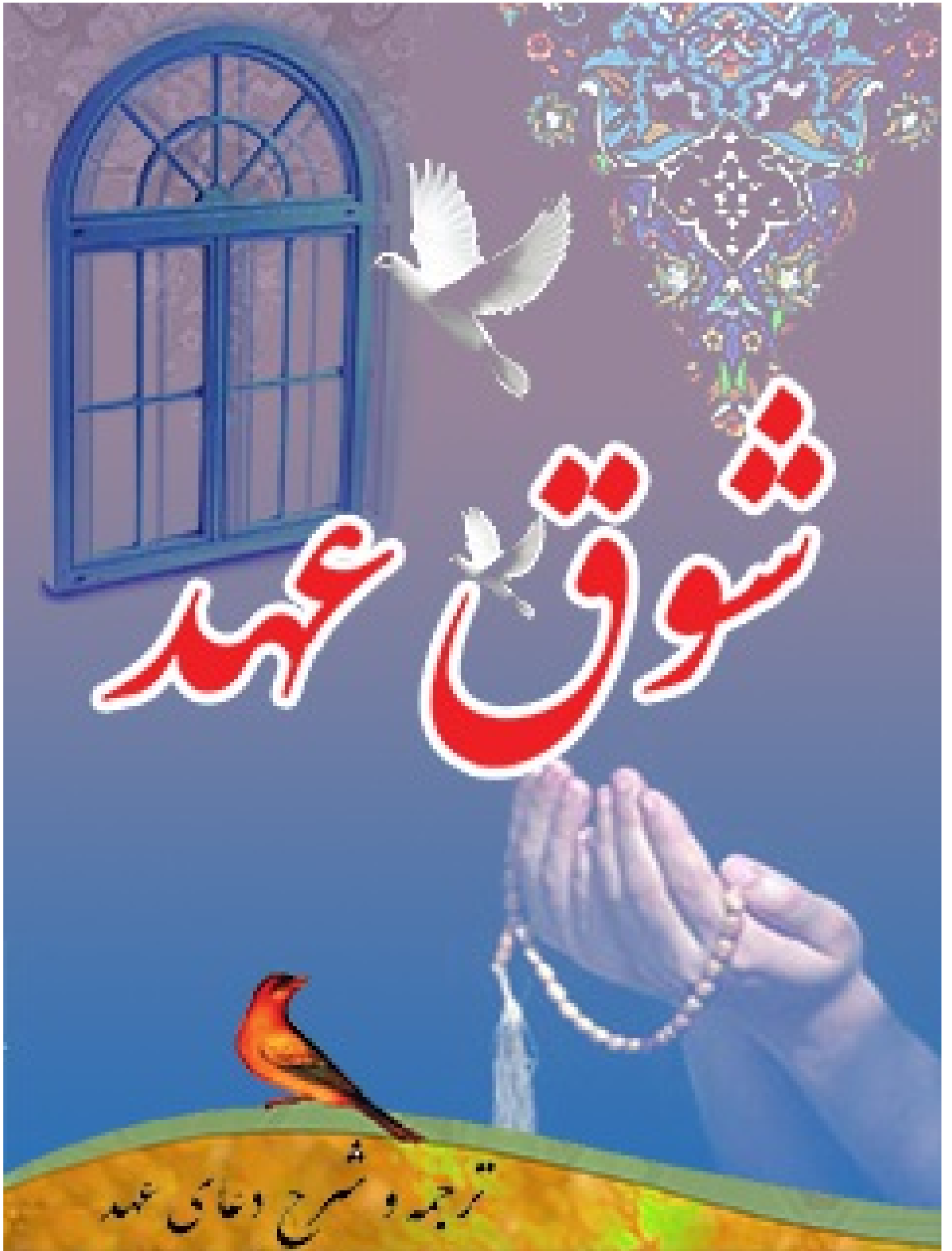
اصفهان

گامی



الحق
علیه
السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



سوق محمد

ترجمہ و تفسیح و تالیف محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شوق عهد (ترجمه و شرح دعای عهد)

نویسنده:

مجتبی کلباسی

ناشر چاپی:

بنیاد قرآن و عترت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	شوق عهد (ترجمه و شرح دعای عهد)
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۳	مقدمه
۲۹	مقصود از کرسی خداوند
۳۵	ملائکه مقرب
۳۷	درجات نور
۴۰	اسمای حسناى خداوند
۴۶	مراتب و درجات حیات و مرگ
۴۸	ویژگی های مدیر کار آمد
۵۰	محور وحدت مؤمنان
۵۲	صلوات چیست ؟
۵۳	فواید صلوات
۵۵	عظمت عرش الهی
۵۸	خلاصه بحث
۶۲	ارزش وفای به عهد
۶۶	نصرت خداوند
۷۲	یاور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن
۷۳	انتظار مثبت
۹۳	ارزش یاری مظلوم
۹۵	مهیجوریت قرآن
۹۷	دعا برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۹۸ معنای درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۹۸ مشکلات عصر ظهور

۱۰۰ اسباب شادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱۰۷ معنای فرج چیست؟

۱۰۸ معنای نزدیک بودن فرج چیست؟

۱۱۱ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: دعای عهد. شرح

عنوان و نام پدیدآور: شوق عهد (ترجمه و شرح دعای عهد)/ مجتبی کلباسی.

مشخصات نشر: تهران: بنیاد قرآن و عترت، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۱۰۲ ص.؛ ۵/۱۸×۵/۹ س م.

شابک: ۹۶۴۹۶۵۱۹۳۴

وضعیت فهرست نویسی: فاپا (چاپ دوم)

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: ترجمه و شرح دعای عهد

موضوع: دعای عهد -- نقد و تفسیر.

شناسه افزوده: کلباسی، مجتبی، شارح.

شناسه افزوده: بنیاد قرآن و عترت

رده بندی کنگره: BP۲۷۰ع/۹۰۴۲۲ک ۸ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۴

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۳۰۵۲۹

ص: ۱

اشاره

بنیاد قرآن و عترت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تهران:

تلفن: تلفکس:

شوق عهد (شرح دعای عهد)

مؤلف: مجتبی کلباسی

صفحه آرای: سید جاوید حسینی

چاپ اول/ ۱۳۸۴

قطع پالتویی / ۱۰۴ صفحه

چاپ/

شمارگان/ ۳۰۰۰

قیمت/

ص: ۲

تقديم به:

منتظران ظهور

شيفتگان حضرت بقیه الله عجل الله تعالى فرجه الشريف

تشنگان عدالت

ص: ۳

فهرست مطالب

مقدمه ۷

مقصود از کرسی خداوند ۲۳

ملائکه مقرب ۲۹

درجات نور ۳۱

اسمای حسناى خداوند ۳۴

مراتب و درجات حیات و مرگ ۴۰

ویژگی های مدیر کار آمد ۴۲

محور وحدت مؤمنان ۴۴

صلوات چیست؟ ۴۶

فواید صلوات ۴۷

عظمت عرش الهی ۴۹

خلاصه بحث ۵۲

ارزش وفای به عهد ۵۶

نصرت خداوند ۶۱

ص: ۵

یاور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن ۶۶

انتظار مثبت ۶۷

ارزش یاری مظلوم ۸۷

مهجوریت قرآن ۸۹

دعا برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۹۱

معنای درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۹۲

مشکلات عصر ظهور ۹۲

اسباب شادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۹۴

معنای فرج چیست؟ ۱۰۱

معنای نزدیک بودن فرج چیست؟ ۱۰۲

ص: ۶

یکی از گنجینه های ارزشمند مذهب تشیع، دعاهایی است که از فراز و نشیب تاریخ، گذر کرده و از مکتب اهل بیت علیهم السلام به دست ما رسیده است. مضامین متعالی، استواری متن و عبارات دلنشین، از جمله ویژگی های این دعاها است. از جمله این دعاهای گرانسنگ و تعهد آفرین، «دعای عهد» است که شهرتی ویژه دارد.

از آنجا که توجه به معانی دعا، شرط تحقق آن است و بدون آن دعا از عنصر انشا خالی است، این شرح مختصر و قابل فهم برای عموم نگاشته شده تا در دسترس علاقه مندان و شیفتگان حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد. آنچه این توفیق را فراهم آورد، پی گیری ها و همت بنیاد قرآن و عترت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که از همه مسؤولان و دست

اندرکاران آن بنیاد محترم تقدیر و تشکر

می شود. از خداوند منان برای همه آنان توفیق روزافزون در مسیر خدمت به قرآن و اهل بیت علیهم السلام خواستاریم.

والسلام

ص: ۸

دعای «عهد» از جمله دعا‌های مشهور است. این دعا را کفعمی در مصباح و علامه مجلسی رحمه الله در بحارالانوار نقل کرده اند.

مجلسی رحمه الله این دعا را از کتاب «العتیق» (کتابی قدیم) نقل کرده است.

ایشان درباره کتاب مذکور می نویسد: کتاب عتیق در ادعیه و مشتمل بر دعا‌های کامل، بلیغ و شگفت است که از هر یک نور اعجاز و فهم ساطع می گردد. هر قسمت از جملات آن، گواهی عدل بر صدور آن از ائمه علیهم السلام و فرمانروایان سخن است. سید بن طاووس در «مهج الدعوات» و غیر آن، از این کتاب نقل کرده است.

تاریخ کتابت نسخه ای که من از آن نقل می کنم، سال ۵۷۶ (ه.ق) است.

از کلام کفعمی (در مصباح) چنین بر می آید که این کتاب، مجموعه دعا‌های گردآوری شده

به دست «ابی الحسین محمد بن هارون تلعبیری» است که از بزرگان اهل حدیث است (۱).

هم چنین از خط «شیخ محمد بن علی الجبعی» از خط شیخ علی بن السکون، به نقل از فخار بن معد، با اسناد متصل از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند که حضرت فرمود:

«کسی که چهل صبحگاه این عهد را بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود و اگر از دنیا برود، خداوند او را از قبر بیرون خواهد آورد و به او در عوض هر کلمه هزار حسنه می دهد و هزار گناه از او محو می کند (۲).»

در هر صورت اعتماد سید بن طاووس بر آن کتاب و اشتهار دعای عهد در بین علمای شیعه و صلابت مضامین آن، گواه اعتبار و استناد آن است.

ص: ۱۰

۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۳.

۲- بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۴۲.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. «اللَّهُمَّ رَبَّ التُّورِ الْعَظِيمِ»؛

«بار خدایا! ای پروردگار نور بزرگ!»

۲. «وَرَبِّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ»؛

«و ای پروردگار کرسی بلند مرتبه!»

۳. «وَرَبِّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ»؛

«و ای پروردگار دریای پر (یا دریای آتش)!»

۴. «وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ»؛

«و ای نازل کننده تورات و انجیل و زبور!»

۵. «وَرَبِّ الظُّلِّ وَالْحَرُورِ»؛

«و ای پروردگار سایه و آفتاب گرمای سوزان!»

۶. «وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ»؛

«و ای نازل کننده قرآن عظیم!»

۷. «وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ»؛

«و ای پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران و رسولان!»

۸. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ»؛

«بار خدایا! از تو در خواست می کنم به حق روی بزرگوار و بخشنده ات!».

۱. «وَبُنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ»؛

«و از تو در خواست می کنم به حق نور وجه روشنایی بخش تو!»

۲. «وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ»؛

«و تو را می خوانم به حق فرمانروایی ازلی تو!»

۳. «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ»؛

«ای زنده و ای پابرجا!»

۴. «أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ»؛

«از تو می طلبم به حق آن نامی که آسمان ها و زمین ها به واسطه آن تجلی و درخشش یافت!»

۵. «وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ»؛

«و به حق نام تو که اولین و آخرین [همه خلایق] به سبب آن شایسته می شوند!»

۶. «يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ»؛

«ای زنده پیش از هر زنده!»

۷. «وَايَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ»

«و ای زنده پس از هر زنده!»

۱. «و يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ»

«و ای زنده آن هنگام که هیچ زنده ای نیست!»

۲. «يَا مُحْيِي الْمَوْتَى وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ»

«ای حیات بخش مردگان و ای میراننده زندگان!»

۳. «يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛

«ای زنده! نیست معبودی مگر تو!»

۴. «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ»؛

«بار خدایا: به مولای ما آن امام هدایتگر هدایت شده که بر پای امر و کار تو است [درود و سلام] برسان!»

۵. «عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَسَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا»؛

«خدایا از جانب همه مردان و زنان مؤمن سراسر زمین _ مشرق و مغرب ها _ از سرزمین های

هموار و کوهستانی و خشکی و دریا [بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درود فرست]!

۱. «وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ»؛

«و از خودم و از جانب پدر و مادرم بر آن حضرت درود فرست!»

۲. «زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ»؛

«معادل عرش الهی!»

۳. «وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ»؛

«و به اندازه مرکبی که کلمات او با آن نوشته شود!»

۴. «وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ»

«و آنچه که علم پروردگار آنها را به شمارش در آورده است!»

۵. «وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ»؛

«و آنچه که کتاب پروردگار بر آن احاطه دارد!»

۶. «اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي»

«بار خدایا! من در صبحگاه امروز و هر روز تا زمانی که زنده ام عهد و عقد و بیعت را بر گردنم تجدید می کنم!»

۱. «لَا أَعُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا»؛

«از آن پیمان بر نمی‌گردم و هیچ‌گاه از پا نمی‌نشینم!»

۲. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ»؛

«بار خدایا! مرا از یاوران و کمک‌دهندگان او قرار بده!»

۳. «وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ»

«و از دفع‌کنندگان از او باشم!»

۴. «وَالْمَسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ»؛

«و از کسانی باشم که در بر آوردن خواسته‌های او شتاب ورزم!»

۵. «وَالْمُؤْتَمِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ»؛

«و ما را از کسانی قرار ده که از فرمان‌های او اطاعت و از او حمایت و دفاع کنم!»

۶. «وَالسَّابِقِينَ إِلَيَّ إِزَادَتِهِ»؛

«و ما را از پیشی‌گیرندگان به انجام خواسته او قرار ده!»

۷. «وَالْمُشْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»؛

«و مرا از جمله کسانی قرار ده که در برابر او شهادت را در آغوش کشم!»

۱. «اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيِّئِي مُجَرِّدًا قَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي»؛

«بار خدایا! اگر بین من و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مرگی که آن را بر بندگانت حتمی و واقع شدنی قرار داده ای فاصله انداخت؛ مرا از قبرم خارج کن؛ در حالی که کفن بر دوش گرفته، شمشیر آخته و نیزه خود را آماده کرده ام و پاسخ دهنده دعوت کننده باشم در حضر و سفر!»

۲. «اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ»؛

«خدایا! آن طلوع [درخشش] رشد آفرین را به من بنمایان!»

۳. «وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ»؛

«و آن سپید پیشانی ستوده را به من بنمایان!»

۴. «وَ اكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ»؛

«خدایا! چشمانم را با نگاهی به او شفا بخش!»

۱. «وَعَجَّلْ فَرَجَهُ»؛

«خدایا! در گشایش کار او تعجیل فرما!»

۲. «وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ»؛

«و خروج او را آسان فرما!»

۳. «وَأَوْسِعْ مَنْهَجَهُ»؛

«وراه و مسیر او را گسترش بده!»

۴. «وَأَسْلِكْ بِي مَحَجَّتَهُ»؛

«و مرا در مسیر دریافت حجت ها و راهنمایی های او قرار ده!»

۵. «وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ»؛

«و کار و مأموریت او را تنفیذ کن!»

۶. «وَأَشْدُدْ أَرْزَرَهُ»؛

«و پشت او را محکم کن!»

۷. «وَأَعْمِرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَ ك»؛

«و خدایا! به وسیله او سرزمین هایت را آباد گردان!»

۸. «وَأُخِي بِهِ عِبَادَ ك»؛

«و بندگان خود را به واسطه او زنده گردان!»

۹. «فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»؛

«خدایا! تو فرمودی و گفتار تو حق است که: آشکار شد فساد در خشکی و دریا، به واسطه دستاوردهای اعمال مردم!»

۱. «فَاطْهَرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ»

«پس خداوند! ولی خود و پسر دختر پیامبرت- که هم نام رسول تو است- بر ما ظاهر ساز!»

۲. «حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ وَ يُحَقِّقَ الْحَقَّ وَ يُحَقِّقَهُ»؛

«تا آن حضرتش به باطلی دست نیابد، مگر آن که آن را مضمحل و حق را بر پا داشته و آن را پیاده سازد!»

۳. «وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْزَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ»؛

«بار خدایا! او را پناه بندگان مظلومت قرار ده!»

۴. «وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ»؛

«و یاور برای کسی که جز تو یآوری نمی یابد!»

۵. «وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ»؛

«و او را تجدید کننده احکام قرآنت که تعطیل شده است قرار بده!»

۱. «وَأَمَّا إِذْ وَلَدْنَا الْخَنُزِيرَ جُنَّاتِ وَعِشْرَ مِمَّنْ جَعَلْنَا لِلشُّرَکِیَّةِ عَلَامًا دَیْنُکَ وَ سُنَنِ نَبِیِّکَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛

«و او را استحکام بخش نشانه ها و شعارهای دینت و سنت های پیامبرت صلی الله علیه و آله و سلم قرار ده!»

۲. «وَأَجْعَلُهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَاسِ الْمُعْتَدِينَ»؛

«بار خدایا! او را از کسانی قرار ده که از آزار و فشار متجاوزان در امان باشد!»

۳. «اللَّهُمَّ وَ سِرِّ نَبِیِّکَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤُوسِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ»؛

«بار خدایا! پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و کسانی که به دعوت او (حضرت مهدی)، او را پیروی می کنند با دیدن او شاد فرما!»

۴. «وَ ارْحَمِ اسْتِکَانَتَنَا بَعْدَهُ»؛

«و بر ذلت ما پس از پیامبرت رحم کن!»

۵. «اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ»؛

«بار خدایا! این گرفتاری را از این امت با ظهور آن حضرت، بر طرف فرما!»

۱. «وَعَجَّلْ لَنَا ظُهُورَهُ»؛

«بار خدایا! در ظهورش تعجیل کن!»

۲. «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَنَرَاهُ قَرِيباً»؛

«همانا آنان ظهور را دور می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم!»

برحمتک یا ارحم الراحمین

به رحمت تو ای مهربانترین مهربانان عالم

۳. پس ۳ مرتبه دست بر ران راست خود می زنی و در هر مرتبه می گویی: «الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ»؛

«تعجیل کن، تعجیل کن، ای مولای من ای صاحب زمان!»

ص: ۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ»؛

«بار خدایا! ای پروردگار نور بزرگ!»

نور در دو معنا به کار رفته است.

۱. نور ظاهری؛ همانند نور خورشید، ستارگان، وسایل روشنایی.

۲. نور هدایت که روشنایی دل و باطن است.

از همین رو قرآن نور دانسته شده است: ((وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا)) (۱)؛ «و ما به جانب شما نوری روشنگر نازل کردیم». تورات و انجیل نیز به همین ویژگی توصیف شده است: ((إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ)) (۲) «ما تورات را که در آن هدایت و نور است نازل کردیم» و ((وَأَتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ)) (۳).

درباره «نور عظیم» چند احتمال وجود دارد:

نور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام: ((إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

ص: ۲۱

۱- نساء (۴)، آیه ۱۷۴.

۲- مائده (۵)، آیه ۴۴.

۳- مائده (۵)، آیه ۴۶.

۱. وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا)) (۱)؛ «ما تو را شاهد و بشارت دهنده و بیم دهنده و دعوت کننده به خداوند و چراغی فروزان فرستادیم». قرآن پیامبر را چراغ درخشنده دانسته است.

۲. نور قرآن: ((وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا)) (۲).

۳. نور آفریده شده در عرش الهی که درخشان ترین نور است. (۳)

۴. نور عقل که موجب هدایت است. (۴)

البته مقصود می تواند همه این موارد باشد.

[

۲. «وَرَبِّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ»؛

«وای پروردگار کرسی بلند مرتبه!»

«کرسی» چهارپایه ای است که حکام و سلاطین معمولاً بر آن نشسته و حکمرانی می کردند.

ص: ۲۲

۱- احزاب (۳۳)، آیه ۴۶.

۲- نساء (۴)، آیه ۱۷۴.

۳- بحار الانوار، ج ۸۶ ص ۲۸۸ و ج ۸۸ ص ۹۰.

۴- بحار الانوار، ج ۸۶ ص ۲۸۸ و ج ۸۸ ص ۹۰.

مقصود از کرسی خداوند

خداوند از زمان و مکان و عوارض ماده منزّه است. قرآن مجید کرسی خداوند را این گونه توصیف فرموده است: ((وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ (۱))؛ «کرسی خداوند آسمان ها و زمین را در بر گرفته است».

به مقتضای این آیه، آسمان ها و زمین کرسی خداوند است و مقصود از آن علم و قدرت پروردگار است که در این عرصه ها جلوه گر است.

[

۳. «وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ»؛

«وای پروردگار دریای پر (یا دریای آتش)!»

درباره «الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ» چند نظراته شده است:

۱. به معنای دریای پر؛

ص: ۲۳

۱- بقره (۲)، آیه ۲۵۵.

۱. دریایی است در زیر عرش الهی (۱)؛

۲. دریای خشک شده که از آب خالی است.

۳. دریای آتش، چنان که در آیه دیگر آمده است: در آستانه قیامت دریاها آتش می گیرند: ((وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ)) (۲)؛

در برخی از کتاب های روایی و تفسیر نقل شده که: «محل دوزخ دریاها هستند (۳).»

در هر صورت «الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ» موضوعی با عظمت و قابل توجه است که خداوند در قرآن به آن قسم یاد کرده است.

[

۴. «وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ (۴)»؛

«وای نازل کننده تورات و انجیل!»

تورات کتاب حضرت موسی علیه السلام و انجیل کتاب حضرت عیسی علیه السلام و زبور کتاب حضرت داود علیه السلام است که بر آن پیامبران بزرگ نازل شده است.

ص: ۲۴

۱- بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۱۰۷.

۲- التکویر (۸۱)، آیه ۶.

۳- ر.ک: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۷؛ بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۷.

۴- فاطر (۳۵)، آیه ۲۱.

[

۵. «وَرَبِّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ»؛

«وای پروردگار سایه و آفتاب و گرمای سوزان!»

«ظل» به معنای سایه و «حرور» به معنای شدت گرما است.

برخی از مفسران در آیه: ((وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورِ))^(۱) مقصود از ظل را بهشت دانسته اند؛ زیرا در آنجا سایه همیشگی است و از سوزندگی خورشید خبری نیست و همواره فضایی مطبوع و دلنشین دارد. مراد از «الْحَرُورِ» را جهنم دانسته اند؛ چون که همواره گرم و سوزان است^(۲).

[

۶. «وَمُنزِلِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ»؛

«وای نازل کننده قرآن عظیم!»

در جملات گذشته سخن از نزول کتاب های آسمانی بود؛ ولی قرآن را به صورت مجزا و با توصیف «عظیم» آورده است. چون قرآن نسبت

ص: ۲۵

۱- فاطر (۳۵)، آیه ۲۱.

۲- تفسیر فرطی، ذیل آیه.

به کتب آسمانی گذشته مقامی برتر دارد و «مهیمن» بر آنها است. (مهیمن یعنی شاهد و ناظر و قائم بر چیزی).

در قرآن مجید چند چیز عظیم دانسته شده است:

۱. خداوند: ((هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ)) (۱)؛

۲. فضل خداوند: ((وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ)) (۲)؛

۳. عرش الهی: ((وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ)) (۳)؛

۴. فوز عظیم (ورود به بهشت): ((وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)) (۴)؛

۵. خزی و ذلت عظیم (دخول در جهنم): ((ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ)) (۵)؛

ص: ۲۶

۱- بقره (۲)، آیه ۲۵۵.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۰۵.

۳- توبه (۹)، آیه ۱۲۹.

۴- نساء (۴)، آیه ۱۳.

۵- توبه (۹)، آیه ۶۳.

۱. قیامت و عذاب آن: ((عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ)) (۱)؛

۲. قرآن: ((وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمِ)) (۲)؛ «همانا ما به تو هفت آیه از مثنای و قرآن عظیم را دادیم». حتی در چند جای قرآن بدان قسم یاد کرده است:

((يس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ)) (۳)؛

((ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ)) (۴)؛

((حم وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ)) (۵)؛

((ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ)) (۶)؛

۷. «وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ»؛

«وای پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران و رسولان!»

ص: ۲۷

۱- اعراف (۷)، آیه ۵۹.

۲- حجر (۱۵)، آیه ۸۷.

۳- یس (۳۶)، آیه ۲.

۴- ص (۳۸)، آیه ۱.

۵- زخرف (۴۳)، آیه ۲.

۶- ق (۵۰)، آیه ۱.

ملائکه از جمله کارگزاران الهی در نظام خلقت هستند که وظایفی دارند و برنامه هایی را اجرا می کنند. بعضی از ویژگی ها و مأموریت های ملائکه در قرآن عبارت است از:

۱. ملائکه پیش از انسان آفریده شده اند(۱)؛

۲. ملائکه در تعلیم برخی از علوم به مردم نقش داشته و دارند(۲)؛

۳. حمل آثار انبیاء(۳)؛

۴. واسطه ارتباط با پیامبران و انسانهای برگزیده(۴)؛

۵. نصرت مؤمنان(۵)؛

۶. لعنت و نفرین کننده بر برخی(۶)؛

۷. قبض روح انسانها(۷)؛

۸. تسبیح و تقدیس ذات اقدس حق(۸)؛

ص: ۲۸

۱- ر.ک: بقره (۲)، آیه ۳۰.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۰۲.

۳- بقره (۲)، آیه ۲۴۸.

۴- آل عمران (۳)، آیه ۳۹.

۵- آل عمران (۳)، آیه ۱۲۴.

۶- آل عمران (۳)، آیه ۸۷.

۷- نساء (۴)، آیه ۹۷.

۸- نساء (۴)، آیه ۹۷.

۱. سلام بر بهشتیان(۱)؛

۲. رسول الهی برای پیامبران(۲)؛

۳. درود فرستنده بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم(۳)؛

۴. درود فرستنده بر مؤمنان(۴)؛

۵. نزول بر مؤمنان با استقامت(۵)؛

۶. مأموران عذاب دوزخ(۶)؛

۷. ثبت و حفظ اعمال(۷)؛

۸. حاملان عرش الهی(۸)؛

۹. حافظان انسانها(۹)؛

ملائکه مقرب

ملائکه دارای مراتب و درجاتی هستند که مشخص و معین است:

ص: ۲۹

۱- رعد (۱۳)، آیه ۲۳.

۲- نحل (۱۶)، آیه ۲.

۳- احزاب (۳۳)، آیه ۵۶.

۴- احزاب (۳۳)، آیه ۴۳.

۵- فصلت (۴۱)، آیه ۳۰.

۶- تحریم (۶۶)، آیه ۶.

۷- ق (۵۰)، آیه ۱۸؛ انفطار (۸۲)، آیه ۱۰.

۸- حاقه (۶۹)، آیه ۱۷.

۹- انعام (۶)، آیه ۶۱.

((وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ)) (۱)؛

«و نیست از ما جز آن که برای او مقامی معلوم و مشخص است».

دسته ای از این فرشتگان دارای قرب بیشتری به حضرت حق هستند که به آنها فرشتگان مقرب گفته می شود؛ از جمله آنها، حضرت جبرئیل علیه السلام میکائیل علیه السلام، اسرافیل علیه السلام و عزرائیل علیه السلام هستند.

گویا مقام فرشتگان مقرب پس از انبیای الهی قرار دارد؛ از این رو در این دعا پس از پیامبران از آنان یاد شده است.

[

۸. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ»؛

«بار خدایا! از تو درخواست می کنم به حق روی بزرگوار و بخشنده ات!»

کریم، یعنی بزرگوار، با کرامت و بخشنده؛ «وجه» به معنای صورت است؛ ولی خداوند مبرّا از جسم و عضو است. بنابراین مقصود از «وجه»

ص: ۳۰

کریم» عمومیت رحمت و کرامت الهی است که بر غضب او تقدم دارد.

«وجه کریم» رویکرد کریمانه خداوند به مخلوقات است که در این فراز از دعا، خداوند را به آن کرم و بزرگواری گسترده می خوانیم.

[

۹. «وَبُنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ»؛

«و از تو در خواست می کنم به حق نور وجه روشنایی بخش تو!»

نور خود روشن است و روشنی بخش نیز می باشد. خداوند نور هستی است: ((اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)) (۱).

آنچه که در هستی نمود و بودی دارد همه از فیض وجود خداوند سرچشمه می گیرد.

آری، خداوند هم نور است و هم «منیر» است. آنچه که از دیار عدم پا به عرصه وجود گذاشته همه به لطف وجه «منیر» ذات انور خداوند است.

درجات نور

ص: ۳۱

۱- نور (۲۴)، آیه ۳۵.

همان گونه که نور طبیعی دارای مراتب است و از تشعشع کرم شب تاب، تا خورشید جهان افروز، همه درجات نورند؛ موجودات نیز بر اساس میزان دریافت هستی و نور وجود از سرچشمه جود، در درجات مختلفی قرار دارند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بالاترین درجات این نور قرار دارد:

((إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا)) (۱)؛

«ای پیامبر ما تو را شاهد و بشارت و بیم دهنده و دعوت کننده به خداوند و چراغ روشنایی بخش قرار دادیم».

بنابراین مراد از «وجه منیر»، می تواند تجلی نور هدایت الهی در پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیای آن حضرت باشد.

[

۱۰. «وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ»؛

«و تو را می خوانم به حق فرمانروایی ازلی تو!»

ص: ۳۲

۱- احزاب (۳۳)، آیه ۴۵ و ۴۶.

«مُلک» به معنای فرمانروایی و «مِلک» به معنای مالکیت است.

«قدیم»؛ یعنی، بدون سابقه عدم و نیستی. بنابراین «ملک قدیم» یعنی آن فرمانروایی تو که همواره بوده است و هیچ سابقه عدم و نیستی ندارد.

[

۱۱. «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ»؛

«ای زنده و ای پابرجا!»

«حی» از نام‌ها و صفات ذات اقدس خداوند است. او «زنده» است و هیچ کاستی و نیستی در او راه ندارد.

«قیوم» مبالغه «قائم» است؛ یعنی، بر پای به تمام معنا و همه جانبه که برپایی همه موجودات به او است.

توضیح آنکه ممکن است کسی ایستاده (قائم) باشد؛ ولی چشمانش بسته و یا حواسش پرت و... باشد. اما خداوند «قیوم» است؛ یعنی، به تمام صفات خود قائم است و هیچ یک از صفات او راکد و غایب نیست.

در آیها لکرسی آمده است:

ص: ۳۳

((الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ... يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ)) (۱)؛

«او حی قیوم است که هیچ چرت و خوابی او را فرا نمی گیرد، و بر همه چیز آگاه است.»

ای همه هستی ز تو پیدا شده

خاک ضعیف از تو توانا شده

[

۱۲. «أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ»؛

«از تو می طلبم به حق آن نامی که آسمان ها و زمین ها به واسطه آن تجلی و درخشش یافت.»

اسمای حسناى خداوند

خداوند دارای نام های بیشمار است: ((أَيُّمَا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى)) (۲)؛ «هر چه او را بخوانی، برای او نام های نیک هست.»

اسم معرف مسما است. وقتی نام کسی یا چیزی را می بریم یا می شنویم، از این راه به «مسما» منتقل می شویم. نام های خداوند _ که

ص: ۳۴

۱- بقره (۲)، آیه ۲۵۵.

۲- اسراء (۱۷)، آیه ۱۱۰.

اوصاف اویند _ نیز ما را به ذات اقدس او هدایت می کنند.

اسمای خداوند، دارای مراتبی است که از آن به کتبی، ظلی و عینی یاد می کنند.

انسان کامل، اسم عینی خداوند است. در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است: **وَاللَّهِ نَحْنُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (۱)**؛ «قسم به خداوند ما نام های نیکوی خداوند هستیم».

وجود مقدس بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز اسم عینی خداوند است. بر این مبنا چون وجود «انسان کامل» و ولی خدا غایت آفرینش است، معنای جمله **«أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ»** انسان های کاملی هستند که خداوند آسمان و زمین را به جهت حضور یافتن آنان آفریده است.

برای مثال در مزرعه ای، هزاران نوع گیاه رشد کرده و صدها پرنده و جونده و حشره در آن زندگی می کنند چند درخت پر ثمر نیز در آن مزرعه وجود دارد.

ص: ۳۵

اگر از زارع پرسیم که: به چه جهت مزرعه را آب می دهید و از آن مراقبت می کنید، حال آنکه هزاران گیاه هرز و صدها حیوان و حشره از آن بهره می برند؛ می گوید: من به خاطر آن چند درخت با ثمر مزرعه را آبیاری می کنم. خداوند جهان، را به جهت حضور و وجود انسان های کامل نگاه می دارد؛ چه اینکه بدون آنان، آفرینش فاقد غایت است.

بنابراین به سبب ایشان است که خداوند آفرینش را بر پا داشته است.

[

۱۳. «و بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ»؛

«و به حق نام تو که اولین و آخرین (همه خلایق) به سبب آن شایسته می شوند».

پیش تر گذشت که، نام های خداوند مراتبی دارد که از جمله آنها «اسم عینی» است پیامبران و حجت های الهی «اسم عینی» خداوند هستند.

ص: ۳۶

سلسله علل خلقت بشر، بدون وجود انبیا و اوصیای الهی تمام نیست و با حضور و وجود آنان است که اولین و آخرین خلایق، وجودشان روا و شایستگی می یابد. به ویژه وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که با تشکیل دادن حکومت عدل جهانی و پیاده سازی آرمانهای الهی قله کمال تاریخی بشر را به نمایش خواهد گذاشت و با انجام دادن این مأموریت بزرگ است که آفرینش شایسته و روا می گردد.

[

۱۴. «يَا حَيُّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ»؛

«ای زنده پیش از هر زنده!»

[

۱۵. «وَايَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ»؛

«و ای زنده پس از هر زنده!»

[

۱۶. «وَايَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ»؛

«و ای زنده آن هنگام که هیچ زنده ای نیست!»

ص: ۳۷

خداوند متعال علت همه علت ها و پدید آوردنده همه موجودات است و بر همه آنها تقدم دارد؛ حال چه تقدم زمانی (بنابر گفته متکلمین) و چه تقدم ذاتی (بنا بر نظر فیلسوفان). وانگهی معلول در هیچ شرایطی نه بر علت خود تقدم دارد و نه می تواند از آن جدا و منفک گردد. بنابراین علت پدید آورنده هم بر معلول تقدم دارد و هم تأخر؛ هم پیش از آن و هم پس از آن حضور و وجود دارد.

همچنین تمامی موجودات از آن جهت که ممکن هستند و از خود وجودی ندارند «لا حی» هستند (یعنی حیات مستقل و قیومی از خود ندارند). تنها موجودی که «حی قیوم» است، خداوند است. بنابراین او زنده حقیقی است و دیگران وابسته به او هستند.

البته ممکن است این جمله اشاره به «نفخ صور» و مردن همه موجودات باشد: ((وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ

إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكَلَّ اتَّوَهُ دَاخِرِينَ)) (۱).

به هر حال حیات حقیقی از او است و او زنده ای است که با از میان رفتن و مردن همه موجودات، همچنان زنده و پا برجا است.

[

۱۷. «يَا مُحْيِي الْمَوْتَى وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ»؛

«ای حیات بخش مردگان و ای میراننده زندگان!»

چرخه حیات در این عالم با گردش مرگ و زندگی برپاست. همواره موجودات زنده ای می میرند و موجوداتی زنده می شوند. انسان ها، حیوانات، حشرات، گیاهان، موجودات ذره بینی و... جملگی در این سیر قرار دارند:

((يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ)) (۲).

«خداوند زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج

می سازد»؛

ص: ۳۹

۱- نمل (۲۷)، آیه ۸۷.

۲- انعام (۶)، آیه ۹۵.

مراتب و درجات حیات و مرگ

حیات و مرگ دارای مراتب و مراحل است حیات نباتی، حیات حیوانی و حیات انسانی همگی حیات هستند؛ ولی در مراتب مختلف قرار دارند.

همچنین حیات دارای مرتبه مادی و معنوی است. ایمان به خداوند و اعتقادات حق، حیات معنوی است و خود دارای درجات متعدد است.

قرآن مجید کافر لجوج و تذکر ناپذیر را مرده

می خواند: ((فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الضُّمَمَ الدُّعَاءَ)) (۱)؛

و مؤمن را زنده و دارای حیات ویژه می داند:

((اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ)) (۲)؛

«پاسخ خدا و رسول را بدهید آن هنگام که شما را فرا می خوانند به چیزی که شما را زنده می کند».

مرده یا زنده بودن دلها به دست خداوند است. البته این خود انسان است که زمینه را

ص: ۴۰

۱- نمل (۲۷)، آیه ۸۰.

۲- انفال (۸)، آیه ۲۴.

برای آن فراهم می سازد. درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است:

«وَأَعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهٖ بِلَادَ كَ»^(۱)؛ «خداوندا به واسطه او سرزمین های خود را آباد ساز».

آری بدون هدایت و عدل الهی، جامعه مرده و فاقد حیات واقعی است.

[

۱۸. «يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛

«ای زنده! نیست معبودی مگر تو!»

در جملات قبل خداوند با صفت «حی» خوانده و در این جمله به وحدانیت توصیف شده است، یعنی ای زنده به تمام معنا و از جمیع جهات، که نیستی هیچ راهی به تو ندارد و از این رو تنها تو سزاواری که معبود باشی و جز تو هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند در این رتبه قرار گیرد.

[

ص: ۴۱

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵.

۱۹. «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ»؛

«بار خدایا: به مولای ما آن امام هدایتگر هدایت شده که بر پای به امر و کار تو است [درود و سلام] برسان!»

در این جمله از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با چند ویژگی یاد شده است:

۱. «مولا»: ولی و سرپرست و کسی که امور دیگران را بر عهده دارد؛

۲. «الامام»: پیشوا و راهنما؛

۳. «الهادی»: هدایت کننده؛

۴. «المهدی»: هدایت شده؛

۵. «القائم»: ایستاده و کسی که برای کاری مهیا و برپاست.

ویژگی های مدیر کار آمد

یک مدیر زمانی کار آمد است که:

۱. دارای علم و آگاهی کامل نسبت به حیطه کار خود باشد.

۱. بتواند دیگران را در مسیر برنامه خود هدایت کرده و به کار گیرد.

۲. در کار خود جدیت داشته باشد و هیچ فرصتی را از دست ندهد.

۳. در صحنه عمل، پیشرو و در کار حضوری پیشتازانه داشته باشد. چنین مدیریتی است که در کار خود توفیق پیدا می کند.

ویژگی هایی که برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این فقره از دعا ذکر شده، خصوصیات است که برای پیشوا ضروری است. هدایت شدگی و هدایتگری و حاضر و آماده بودن برای عمل، صفاتی است که آن حضرت را در مرتبت امامت و ولایت قرار داده است.

نکته قابل توجه اینکه: این صفات مربوط به آینده حضرت نیست؛ بلکه هم اکنون نیز او «هادی» و «قائم به امر» است.

او هم دستگیر مشتاقان و جذب کننده دل های آنان است و هم اموری که از ناحیه حضرت حق به آن حضرت محول می شود، انجام می دهد.

ص: ۴۳

آری، او اگر چه از نظر ها پنهان است؛ ولی از حضور در صحنه هدایت و قیام به وظایف غایب نیست.

توصیف آن حضرت به «قائم» گویای حضور فعال آن حضرت، در صحنه هدایت و سایر امور است.

[

۲۰. «عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا»؛

«خدایا! از جانب همه مردان و زنان مؤمن سراسر زمین _ مشرق و مغرب ها _ از سرزمین های هموار و کوهستانی و خشکی و دریا [بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درود فرست]!»

محور وحدت مؤمنان

وحدت و همدلی، نیازمند محور مشترک است. محور پیوند مؤمنان سراسر عالم در هر سرزمینی که هستند، وجود مقدس حضرت است. در این فقره از دعا از خداوند می خواهیم

ص: ۴۴

که از جانب همه مؤمنان مشتاق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر آن حضرت درود بفرستد.

[

۲۱. «وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ»؛

«و از خودم و از جانب پدر و مادرم بر آن حضرت درود فرست!»

پدر و مادر حق بسیار بزرگی برگردن فرزند دارند و با وجود آنکه «جميع المؤمنين» در فقره قبل شامل آنان می شد، مجدداً آن دو را یاد می کنیم. و از جانب آنان به صورت ویژه برای حضرت درخواست درود می کنیم.

پدران و مادران علاوه بر حق تکوینی که بر فرزندان دارند، نقش اساسی در ایمان و عقاید و رفتار فرزندان ایفا می کنند. فرزندان دین خود را غالباً از آنان فراگیرند. بنابراین از این جهت نیز (در صورتی که فرزند را به عقاید حق و رفتار صحیح فرا بخوانند) حق فزونتری بر فرزندان پیدا می کنند.

ص: ۴۵

از این رو سزاوار است که فرزندان در هر کار خیری آنان را یاد کرده و در کارهای نیک خود آنان را شریک گردانند.

قرآن مجید بارها از زبان انبیاء، دعا در حق پدر و مادر را ذکر کرده است تا بر این سیره نیکو تأکید فرماید:

((رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ)) (۱)؛ ((وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا)) (۲).

صلوات چیست؟

به نظر می‌رسد «صلوات» نقطه مقابل «لعنت» باشد. «لعن» به معنای دوری از رحمت الهی و «صلوات» درخواست فزونی رحمت و ارتقای مقام است.

خداوند و فرشتگان او بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود می‌فرستند:

((إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ)) (۳)؛

«همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند».

ص: ۴۶

۱- ابراهیم (۱۴)، آیه ۴۱؛ نوح (۷۱)، آیه ۲۸.

۲- اسراء (۱۷)، آیه ۲۴.

۳- احزاب (۳۳)، آیه ۵۶.

همچنین خداوند و فرشتگان بر مؤمنان درود می فرستند.

((هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ)) (۱)؛

«او است که بر شما درود می فرستد و ملائکه او نیز بر شما درود می فرستند تا شما را از ظلمت ها به نور هدایت کنند».

فواید صلوات

صلوات از جانب خداوند افاضه رحمت است و از سوی ملائکه و انسان ها در خواست رحمت خداوند برای پیامبر و آل اوست.

در این صورت آیا صلوات برای ما هم فایده ای در بر دارد؟

در پاسخ گفتنی است یاد خداوند، موجب یاد او از بنده می گردد: ((فَاذْكُرُونِي أَذْكَرْكُمْ)) (۲).

البته نه اینکه خداوند کسی را فراموش کرده باشد و سپس یاد کرد بنده از او، او را به یاد بیاورد!! بلکه یاد خدا از بنده؛ یعنی، ریزش

ص: ۴۷

۱- احزاب (۳۳)، آیه ۴۳.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۵۲.

رحمت و عنایت خاص به بنده ای که خداوند را یاد می کند.

یاد اولیای خداوند _ که مظاهر اسمای

الهی اند _ نیز این چنین است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ صَلَّى عَلَيَّ النَّبِيِّ صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صَلَاةٍ (۱)»؛

«کسی که بر پیامبر یک درود بفرستد، خداوند بر او هزار بار درود می فرستد».

بنابراین یاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او، بویژه وجود مقدس حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف موجب یاد کرد خداوند از بنده و افاضه رحمت به او است.

[

۲۲. «زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ»؛

«معادل عرش الهی!»

در بین مخلوقات خداوند، عظیم ترین موجود عرش الهی است.

((رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ)) (۲)؛ «او پروردگار عرش عظیم است».

ص: ۴۸

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۹۲.

۲- مؤمنون (۲۳)، آیه ۸۶.

از آیات قرآن چنین برمی آید که عرش، مرکز تدبیر عالم است:

((ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ)) (۱)؛

«سپس او بر عرش استیلا یافت [و] تدبیر می کند کار را».

((الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ)) (۲)؛

«ملائکه الهی حاملان عرش پروردگارند».

عظمت عرش الهی

بزرگی بر چند گونه است:

بزرگی مادی و جسمی؛ مانند عظمت این عالم که علاوه بر جنبه های شگفت دیگر، از وسعت مادی نیز برخوردار است.

عظمت جایگاه و نقش؛ ممکن است چیزی از نظر جسمی بزرگ نباشد، ولی از نظر تأثیر و نقش بسیار مهم باشد. مغز انسان از نظر حجم بیشتر از چند درصد وزن انسان نیست؛ ولی رتبه و جایگاه آن با هیچ عضو دیگر قابل مقایسه نیست.

ص: ۴۹

۱- یونس (۱۰)، آیه ۳.

۲- غافر (۴۰)، آیه ۷.

در یک دستگاه کامپیوتر قسمت پردازنده قسمت کوچکی از مجموعه را تشکیل می دهد؛ ولی جایگاه و ارزش آن با قسمت های دیگر کاملاً متفاوت است.

بنابر روایاتی چند، عرش الهی از کرسی بزرگ تر است؛ ولی بزرگی صرفاً به حجم نیست، گاه چیزی از نظر حجم کوچک؛ ولی از نظر نقش و تأثیر، بسیار بزرگ و با اهمیت است.

امام هشتم علیه السلام درباره عرش الهی فرمود:

«الْعَرْشُ اسْمٌ عَلَمٌ وَقُدْرَةٌ وَعَرْشٌ فِيهِ كُلُّ شَيْءٍ (۱)»؛

«عرش نام علم و قدرت است و عرشی که در آن هر چیزی هست».

از امام صادق علیه السلام نیز چنین نقل شده است:

«الْعَرْشُ الْعِلْمُ»؛ «عرش علم است» (۲)

در برخی روایات از به جنبش درآمدن عرش در اثر برخی اعمال سخن به میان آمده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا بَكَى الْيَتِيمُ اهْتَزَّتْ لَهُ الْعَرْشُ»؛

ص: ۵۰

۱- کافی، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲- کافی، ج ۱، ص ۱۳۳.

«زمانی که یتیم بگرید، عرش به جنبش در می آید»^(۱).

در روایت دیگری از امام موسی بن جعفر علیه السلام آمده است:

«مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ نُودِيَ مِنَ الْعَرْشِ: وَ لَكَ مِائَةُ أَلْفِ ضِعْفٍ»^(۲)؛

«کسی که به برادر دینی خود، پنهانی دعا کند از جانب عرش الهی به او ندا داده می شود که برای تو صد هزار برابر آن دعا منظور شده است».

از این روایات چنین برمی آید که عرش، محل انعکاس اعمال است.

در مجموعه روایات، از ارکان عرش، دل عرش، مربع بودن عرش، جهات عرش، سایبان عرش، نوشته های عرش، حاملان عرش و گنج های عرش سخن به میان آمده است.

در برخی روایات، عرش معدن رزق دانسته شده و فلسفه دست برداشتن به دعا به سوی آسمان، به جهت وجود عرش الهی در آسمان دانسته شده است^(۳).

ص: ۵۱

۱- فقیه، ج ۱، ص ۱۸۹.

۲- کافی، ج ۲، ص ۵۰۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۸.

با توجه به آنچه در قرآن مجید و احادیث شریف درباره عرش آمده است، باید گفت: توصیف عظمت و آنچه مربوط به عرش است، خارج از توان بشر است و تنها با اتکا به وحی خیرهایی از آن در دست دارد.

معنای درود بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم وزن عرش الهی، توصیف آن به بزرگترین صورت ممکن است.

[

۲۳. «وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ»؛

«و به اندازه مرکبی که کلمات او با آن نوشته شود!»

کلمات پروردگار دو گونه است:

الفاظی که در قرآن و دیگر کتاب های الهی آمده و آنچه که در علم پروردگار است.

موجودات مختلف که هر کدام بدان جهت که دال بر عظمت و قدرت پروردگارند، کلمه او به شمار می روند. کلمات پروردگار بیشمار است چون علم و خلقت او نامتناهی است.

ص: ۵۲

((قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا))^(۱)؛ «بگو اگر دریا مرکب برای نوشتن کلمات پروردگارم باشد، همانا دریا پایان می پذیرد، قبل از آنکه کلمات پروردگارم به آخر برسد و اگر چه همانند آن دریا را برای نوشتن بیاوریم».

[

۲۴. «وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ».

«و آنچه که علم پروردگار آنها را به شمارش در آورده است».

[

۲۵. «وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ».

«و آنچه که کتاب پروردگار بر آن احاطه دارد».

تمام این جملات جهت تأکید بر گستردگی درخواست درود بر حضرت است.

کتاب پروردگار _ چه لوح محفوظ باشد و چه مراتب دیگر _ مشتمل بر همه چیز است:

ص: ۵۳

((وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ)) (۱)؛

«و هیچ تر و خشکی نیست، مگر آنکه در کتابی روشن است».

این مقدار تأکید بر تعداد درود بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان از عظمت مقام و ظرفیت شگفت انگیز آن حضرت برای دریافت رحمت الهی دارد. چه اینکه امام مظهر تام اسمای الهی و حامل علم او است. در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«و خُرَّانَ الْعِلْمِ» (۲)، «...مَحَالٍ مَعْرِفَةِ اللَّهِ» (۳)، «...مَسَاكِنِ بَرَكَهِ اللَّهِ» (۴) و «عِيْبِهِ عِلْمِهِ» (۵).

[

۲۶. «اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا وَ

ص: ۵۴

۱- انعام (۶)، آیه ۵۹.

۲- زیارت جامعه کبیره.

۳- زیارت جامعه کبیره.

۴- زیارت جامعه کبیره.

۵- زیارت جامعه کبیره.

مَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي؛

«بار خدایا: من در صبحگاه امروز و هر روز _ تا زمانی که زنده ام _ تجدید می کنم عهد و عقد و بیعت را بر گردنم!»

عهد: از جمله معانی «عهد» اقرار و اعتراف است: «اعهد الیک ای اقر و اعترف»(۱).

عقد نیز به معنای پیمان جهت حتمی شدن قرار داد و یا اطاعت است(۲).

کاربرد این سه کلمه، اشاره به تعهد و قرار همه جانبه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در محضر الهی به آن متعهد می شویم. این پیمان هم قلبی است (عهد) و هم بر آن تأکید می شود (عقد) و هم بر اطاعت و انقیاد از آن حضرت تصریح می شود (بیعت) است.

[

ص: ۵۵

۱- مجمع البحرین، ماده عهد.

۲- لسان العرب، ماده بیع.

«از آن پیمان بر نمی‌گردم و هیچگاه از پا نمی‌نشینم!»

«حول» به معنای گردش و از حالی به حال دیگر شدن است. «زوال» رو به اضمحلال و سکوت و سکون رفتن است.

معنای دو جمله آن است که: من در مسیر این عهد و پیمان، نه دچار دگرگونی می‌شوم که از درون تغییر کنم و نه به جهت سختی‌ها و شرایط بیرونی سست می‌شوم و از حرکت باز می‌ایستم.

ارزش وفای به عهد

وفای به عهد، از جمله ویژگی‌های مؤمنان است: ((وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ)) (۱).

در قرآن مجید بارها از وفاکنندگان به عهد، تمجید و عهدشکنان مورد انتقاد و توبیخ قرار گرفته‌اند:

ص: ۵۶

((الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ)) (۱).

پیمان شکنی موجب لعنت الهی دانسته شده است: ((فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ

قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ)) (۲)؛ پیمان و بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در حقیقت پیمان و بیعت با خداوند است.

در بیعت رضوان، مسلمانان در حدیبیه و در شرایط سخت و خطرناک با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیمان بستند، پس از آن پیمان از جانب خداوند این آیه نازل شد:

((إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ)) (۳)؛

«کسانی که با تو بیعت کردند، بدون تردید با خداوند بیعت کردند».

بیعت با ولی الهی در روی زمین، بیعت با خداوند است. البته به همان میزان که بیعت با

ص: ۵۷

۱- رعد (۱۳)، آیه ۲۵.

۲- مائده (۵)، آیه ۱۳.

۳- فتح (۴۸)، آیه ۱۰.

است؛ نقض و تخلف از عهد و پیمان، پیامدی سخت و فرجامی ناپسند در بردارد.

هر مقدار که طرف عهد و پیمان مقتدرتر، نیرومندتر و عظیم تر باشد، گناه نقض پیمان با او نیز بزرگ تر است. اگر در این دعای شریف، در محضر الهی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عهد و پیمان می بندیم و بر آن تأکید می کنیم؛ باید مراقب باشیم تا مبادا مصداق این آیه شویم که: ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ)) (۱)؛

«ای اهل ایمان! چرا چیزهایی می گوئید که خود عمل نمی کنید؟ نزد خداوند خشم بزرگی است که بگوئید آنچه را عمل نمی کنید».

[

۲۸. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَاعْوَانِهِ»؛

ص: ۵۸

«بار خدایا: مرا از یاوران و کمک دهندگان او قرار بده!»

ناصر کسی است که با تمام وجود، در یاری پیشوای خود بکوشد و همواره در صدد باشد که از راه های ممکن، امام خود را یاری برساند.

«عوان» کسی که در کارها به کسی کمک کند. «ناصر» و «عوان» گرچه معنایی نزدیک به هم دارند؛ ولی نصرت معنای وسیع تری دارد.

«نصرت» یاری گسترده و همه جانبه است و «عوان» پشتیبانی موردی و مقطعی است.

[

۲۹. «وَ الدَّائِبِينَ عَنْهُ»؛

«و از دفع کنندگان از او باشم!»

«ذَبَّ» به معنای «دفع» است؛ یعنی، خدایا! مرا از مدافعان آن حضرت قرار بده.

دفاع کردن از شخص، ابعاد مختلفی دارد؛ گاه بایستی دشمن را از او دور کرد و گاه باید به دفاع از اندیشه او پرداخت و به هجومی که علیه تفکر او صورت می گیرد، پاسخ داد.

بنابراین، دفاع گاه از شخص است و گاه از فکر؛ گاه در عرصه سیاست و گاه در عرصه

ص: ۵۹

اقتصاد و البته کسی که می خواهد از امام خویش دفاع کند، بایستی روش های هجوم دشمن را بشناسد، تا بتواند به دفاع مناسب اقدام نماید.

[

۳۰. «وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ»؛

«و از کسانی باشم که در بر آوردن خواسته های او شتاب ورزم!»

نه تنها از خدا می خواهیم که ما را از مدافعان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهد؛ بلکه از او

می طلبیم که ما را از کسانی قرار دهد که در بر آوردن خواسته های آن حضرت، بر دیگران پیشی بگیریم.

نصرت خداوند

خداوند حتما دین و ولی خود را یاری خواهد کرد:

ص: ۶۰

((كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي)) (۱)؛ «لازم کرده است خداوند که حتماً من و رسولانم غالب خواهیم گشت».

در این مسیر عده ای این توفیق را می یابند که یاور خدا و ولی او باشند هر کس در این مسیر باز بماند، دیگری جای او را خواهد گرفت.

((فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ)) (۲)؛

«به زودی خداوند مردمی را به صحنه می آورد که آنها را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند».

پس در یاری آن حضرت باید شتاب کرد و بر دیگران سبقت گرفت: مبدا از این فیض بزرگ محروم بمانیم!

[

۳۱. «وَالْمُؤْتَمِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ»؛

«و مرا از کسانی قرارده که از فرمان های او اطاعت و از او حمایت و دفاع کنم».

ص: ۶۱

۱- مجادله (۵۸)، آیه ۲۱.

۲- مائده (۵)، آیه ۵۴.

مهم ترین عنصر در یاری و دفاع از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، اطاعت از فرمان های آن حضرت است: چه اینکه اگر اطاعت در کار نباشد، اهداف آن حضرت محقق نشده و ادعاها گفتاری پوچ خواهد بود.

سؤال: آیا دفاع و اطاعت از حضرت در زمان غیبت کبری ممکن است؟

پاسخ: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گرچه در پس پرده غیبت است؛ ولی هم دفاع از آن حضرت میسر است و هم اطاعت کسی که از عقیده امامت _ بویژه امامت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف _ دفاع می کند و در راه نشر آن می کوشد، در حقیقت مدافع حضرت و یاری کننده او است.

همچنین کسی که از فرمان های قرآن و اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف اطاعت می کند. از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اطاعت کرده است.

[

۳۲. «السَّابِقِينَ إِلَىٰ إِرَادَتِهِ»؛

«و ما را از پیشی گیرندگان به انجام خواسته او قرار ده!»

ص: ۶۲

پیشی گرفتن بر دیگران در کارهایی ناپسند شمرده شده و در اموری پسندیده دانسته شده است. سبقت برای گناه و به دست آوردن دنیا ناپسند است؛ ولی شتاب برای امور خیر، پسندیده و بر آن تأکید شده است:

((إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لَمَّا يُشْرِكُونَ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ)) (۱)؛

«کسانی که از بیم پروردگارشان ترسانند و کسانی که به آیات پروردگارشان مؤمن هستند، و کسانی که به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند و کسانی که به جا

می‌آوردند آنچه را انجام می‌دهند در حالی که دل‌هایشان بیمناک است، چون به جانب پروردگارشان باز می‌گردند، آنانند که در امور خیر شتاب می‌ورزند و در آن بر دیگران پیشی می‌گیرند».

آری کسانی در قله ایمان و کمال قرار دارند که در انجام خواسته ولی خود درنگ نمی‌ورزند؛

ص: ۶۳

بلکه سعی بر آن دارند که از دیگران در تحقق خواسته مولای خود سبقت بگیرند.

[

۳۳. «وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»؛

«و مرا از جمله کسانی قرار ده که در برابر او شهادت را در آغوش کشم!»

شهادت منزلتی است بسیار بزرگ که معدودی از امت اسلام، به آن راه می یابند. تعدادی از این شهیدان در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام به شهادت رسیده اند.

روشن است که شهادت در کنار امام علیه السلام با دیگر صحنه ها تفاوتی آشکار دارد.

بالاترین توفیق، درک فیض شهادت در رکاب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ چرا که در حضور آن حضرت همه انگاره ها رخت بر بسته و چشمه زلال حقیقت خود را آشکار می سازد.

شهید در چنین صحنه ای با اطمینان و بلکه با یقین، بر گلبرگ شهادت بوسه می زند.

ص: ۶۴

از دیدگاه قرآن، شهیدان حیات حقیقی دارند: ((بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)) (۱).

و به آنان نباید مرده گفت: ((وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ)) (۲).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «برتر از هر نیکی، نیکی دیگری هست تا آنجا که شخص در راه خدا کشته شود که بالاتر از آن نیکی نیست» (۳).

در زیارت امام حسین علیه السلام می خوانیم:

«يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا» (۴)؛

«کاش من با شما بودم و در کنار شما به رستگاری بزرگ می رسیدم!»

پس شهادت فیض بسیار بزرگی است، اما بزرگ تر از آن این که، این فیض در محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت پذیرد.

[

ص: ۶۵

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۶۹.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۵۴.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۴۸.

۴- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۴.

۳۴. «اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَزِرًا كَفَيْنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلْتَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي»؛

«بار خدایا! اگر بین من و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مرگی که آن را بر بندگانت حتمی و واقع شدنی قرار داده ای، فاصله انداخت؛ مرا از قبرم خارج کن؛ در حالی که کفن بر دوش گرفته، شمشیر آخته و نیزه خود را آماده کرده ام و پاسخ دهنده دعوت کننده باشم در حضر و سفر!»

باور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن

مرگ سرنوشت قطعی همه ممکنات است و بدون تردید، گریبان هر انسانی را خواهد گرفت:

((كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ)) (۱)؛

«هر کسی طعم مرگ را خواهد چشید».

ص: ۶۶

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۸۵؛ انبیاء (۲۱)، آیه ۳۵؛ عنکبوت (۲۹)، آیه ۵۷.

پرسش: آیا با وجود در پیش بودن مرگ، می توان یاور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و در محضر آن حضرت بود؟

پاسخ: آری، رجعت _ که از عقاید مسلم شیعه است _ این موضوع را به روشنی حل می کند؛ چون برخی افراد دارای قابلیت می باشند، به هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از قبور بازگشته و در رکاب ایشان به مبارزه خواهند پرداخت. آیات قرآن بر امکان وقوع رجعت دلالتی روشن دارند.

زنده شدن مردگان با نفس مسیحایی حضرت عیسی علیه السلام، زنده شدن نمایندگان بنی اسرائیل در کوه طور و زنده شدن هزاران نفر در ماجرای دیگر، همه گواه این مدعا است.

انتظار مثبت

«کفن بر دوش»، «شمشیر آخته» و «نیزه آماده»، کنایه از اوج آمادگی برای ظهور حضرت است. کفن پوش بودن، نماد سبکباری و شمشیر کشیده، نماد آمادگی رزمی و عملی برای ظهور و تحقق بخشیدن اهداف آن است.

ص: ۶۷

برخی تنها در مرحله سخن آمادگی دارند؛ ولی هنگامی که صحنه برخورد پیش آید، می گویند:

((فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ)) (۱)؛

«تو و پروردگارت بروید و بجنگید ما اینجا به تماشا نشسته ایم.»

برخی نیز وقتی بنای جهاد و مبارزه پیش می آید می گویند:

((لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ)) (۲)؛

«در گرما برای نبرد کوچ نمی کنیم.»

خلاصه اینکه: افرادی در عین ادعا کردن، هنگام عمل با بهانه های مختلف، از درگیر شدن می گریزند. دعا کننده در اینجا از خداوند می خواهد که توفیق آمادگی نظری و عملی به او عنایت کند تا در مسیر انتظار، تنها به گفتار بسنده نکند؛ بلکه با کمال آمادگی در صحنه وارد شود.

گروهی نیز فقط در کارهای آسان و اهداف نزدیک حاضر به همکاری هستند.

((لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ

ص: ۶۸

۱- المائدة (۵)، آیه ۲۴.

۲- توبه (۹)، آیه ۸۱.

وَلَمْ يَكُنْ بِعَدَّتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ)) (۱)؛

«اگر منفعت دنیایی نزدیک و سفر کوتاهی بود، به دنبال تو می آمدند؛ ولی راه دور و سختی بر آنان گران آمد.»

در این قسمت، از خدا می خواهیم که دعوت داعی خداوند را چه در سفر و چه در حضر (یعنی چه آسان و چه دشوار) پاسخ گوئیم.

[

۳۵. «اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ»؛

«خدایا آن طلوع (درخشش) رشد آفرین را به من بنمایان!»

در روایات؛ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به آفتاب تشبیه شده است؛ چرا که با ظهورش تاریکی ظلم را زایل و نور عدل را در جهان می گستراند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«زمانی که قائم ما به پا خیزد، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند...» (۲).

ص: ۶۹

۱- توبه (۹)، آیه ۴۲.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

۳۶. «وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ»؛

«و آن سپید پیشانی ستوده را به من بنمایان!»

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن ستوده شده است و به هنگام ظهور نیز همگان او را می ستایند:

((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)) (۱)؛

«و ما در زبور پس از ذکر نوشتیم که همانا زمین را بندگان صالح ما به میراث خواهند برد».

او بنده صالح خداوند است که بر زمین حاکم خواهد شد و دین مورد رضایت خداوند را در آن پیاده خواهد کرد.

همه انبیا علیهم السلام و اولیا انتظار قدوم او را

می کشند تا راه ناتمام آنان را به پایان برسانند.

۳۷. «وَ الْكحلُّ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ»؛

«خدایا! چشمانم را با نگاهی به او شفا بخش!» (۲)

ص: ۷۰

۱- انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۲- قال ابن سیده: «الكحل ما وضع فی العين یشتقی به (لسان العرب)».

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

تردید نیست که هیچ چیز به اندازه ظهور حضرت و نگاه منتظران واقعی اش به او، دل ها را شفا و آلام را پایان نخواهد داد.

البته اگر پیش از ظهور نیز چنین توفیقی برای کسی حاصل گردد، بسی فرخنده و با برکت خواهد بود.

وانگهی این توفیق تنها شامل معدود افرادی خواهد شد که از هر ریا کاری و دکان داری به دور و از خلق مستورند.

[

۳۸. «وَعَجِّلْ فَرَجَهُ»؛

«خدایا! در گشایش کار او تعجیل فرما!»

مهم ترین گشایش در کار مؤمنان و برترین حادثه در جهت اصلاح امور جهان، ظهور حضرت است؛ پس دعا برای فرج او بالاترین دعاها است. در روایات آمده است:

ص: ۷۱

((أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ)) (۱)؛

«برترین عبادتها انتظار فرج است».

[

۳۹. «وَسَهْلٌ مَخْرَجُهُ»؛

«و خروج او را آسان فرما».

آسان شدن ظهور حضرت عواملی دارد؛ از جمله:

۱. آمادگی فکری مردم جهان برای ظهور؛

۲. آمادگی عملی مؤمنان برای یاری حضرت؛

۳. مهیا شدن اسباب و عوامل برای ظهور.

روشن است که دعا کننده وقتی چنین درخواستی از خداوند دارد، خود را آماده چنین رخدادی می کند و سعی در محقق ساختن شرایط ظهور دارد.

[

۴۰. «وَأَوْسَعُ مَنَهَجُهُ»؛

«وراه و مسیر او را گسترش بده!»

ظهور حضرت بدون آن که راه و روش آن حضرت گسترش یابد، میسر نیست.

ص: ۷۲

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

خداوند امور این جهان را از طریق اسباب به پیش می برد و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز اسبابی دارد که بدون آن ظهور، صورت نمی پذیرد.

از جمله آن اسباب گسترش اندیشه و تفکر مهدویت و نگاه به آسمان برای رفع مشکلات حاد جوامع بشری و پایان بخشیدن به ظلم و تباهی است.

[

۴۱. «وَ اسْأَلُكَ بِى مَحَجَّتَهُ»؛

«و مرا در مسیر دریافت حجت ها و راهنمایی های او قرار ده!»

از جمله وظایف امام معصوم علیه السلام هدایت افراد مستعد است.

((وَجَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا)) (۱)؛

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که مردم را به امر ما هدایت کنند.»

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می نویسد: و این معنا (هدایت به امر) یک نوع تصرف تکوینی در نفوس است که با آن تصرف، راه را برای بردن

ص: ۷۳

۱- انبیاء (۲۱)، آیه ۷۳.

دل ها به سوی کمال و انتقال دادن آنها از موقفی به موقفی بالاتر هموار می سازد... هدایت به امر از فیوضات معنوی و مقامات باطنی است که مؤمنان به وسیله عمل صالح به سوی آن هدایت می شوند (۱).

[

۴۲. «وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ»؛

«و کار و مأموریت او را تنفیذ کن!»

چون علم به زمان ظهور، مختص ذات اقدس پروردگار است و به اذن او صورت خواهد گرفت؛ در اینجا از خداوند می خواهیم که امر حضرت را امضا کرده و اذن ظهور را صادر فرماید.

[

۴۳. «وَ أَشْدُدْ أَرْزَهُ»؛

«و پشت او را محکم کن!»

ظهور و رها ساختن جهان از ظلم و فساد، کار آسانی نیست. زمانی که حضرت موسی علیه السلام برای حرکت به سوی فرعون، مأمور گردید به درگاه خداوند عرضه داشت:

ص: ۷۴

۱- تفسیر المیزان، ذیل آیه، انبیاء (۲۱)، آیه ۷۳.

((رَبِّ اشْرَحْ لِي صِدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَاجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي هَارُونَ أَحْيَى اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي)) (۱)؛

«پروردگارا! سینه ام را برایم فراخ گردان و کارم را آسان ساز و گره از زبانم بگشا تا سخنم را دریابند و از خاندانم پشتیبانی برایم قرار ده _ برادرم هارون را _ پشتم را به او استوار ساز...».

روشن است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در مأموریت بسیار گسترده و مشکل، نیازمند پشتیبانانی سخت کوش و مقاوم است. هسته اصلی این یاوران ۳۱۳ نفرند که این تحول بزرگ را مدیریت می کنند.

[

عهد با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

۴۴. «وَاعْمُرِ اللَّهْمَّ بِهِ بِلَادَكَ»؛

«وخدایا به وسیله او سرزمینهایت را آباد گردان!»

ص: ۷۵

آباد کردن زمین وظیفه ای است عمومی که خداوند برای بشر معین کرده است:

((هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَ كُمْ فِيهَا)) (۱)؛

«او شما را از زمین پدید آورد و به آبادگری در آن واداشت».

این آبادانی وقتی کامل می شود که به دور از هرگونه فساد و ناهنجاری باشد. ظهور حضرت از چند جهت آبادانی را ارتقا می بخشد و به صورت همه جانبه به پیش می برد:

۱. بالا رفتن توان علمی مردم؛

امام صادق علیه السلام فرمود:

دانش بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران برای مردم آوردند دو و حرف است... زمانی که قائم ما بیا خیزد، بیست و پنج حرف دیگر علم را بیرون خواهد آورد و آن را در بین مردم منتشر خواهد کرد. (۲)

۲. کامل شدن عقل های مردم؛

امام باقر علیه السلام فرمود:

ص: ۷۶

۱- هود (۱۱)، آیه ۶۱.

۲- قطب راوندی، الخرائج و الحرائج، ج ۲، ۸۴۶.

زمانی که قائم ما بپاخیزد، بر سر مردم می گذارد، و به سبب آن عقل هایشان را متمرکز گردانده و فهم آنان به وسیله آن کامل می گردد.

۳. از بین رفتن فقر و فساد در جامعه؛

همچنین فرمود:

... او آنچنان عدالت را برقرار می سازد و همگان را برخوردار می گرداند، که کسی که نیازمند زکات باشد نمی یابی (فقر از بین می رود).

و باز فرمود:

دنیا پایان نمی پذیرد، تا آن که مردی از ما اهل بیت مبعوث خواهد شد که به کتاب خدا عمل می کند و هیچ منکری را نمی بیند مگر آن که آن را محو می نماید. (۱)

۴. استفاده از همه ذخایر و گنجینه های زمین؛

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

... هیچ بدهکاری را فروگذار نمی کند مگر آن که بدهی اش را می پردازد، و هیچ مظلومه ای را

ص: ۷۷

نمی بیند مگر آن که آن را به صاحبش بر می گرداند. (۱)

و باز فرمود:

زمین میوه های دل خود را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد. (۲)..... زمین برکت های خود را بیرون می ریزد (۳).... زمین پاره های جگر خود را مانند ستون های طلا و نقره خارج می سازد. (۴)

[

۴۵. «وَ أَخِي بِهِ عِبَادَكَ»؛

«و بندگان خود را به واسطه او زنده گردان!»

از دیدگاه قرآن حیات دارای مراتبی است.

۱. حیات گیاهی (نباتی):

((وَيُنزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا)) (۵)؛

ص: ۷۸

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۵۲۷.

۴- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۱۰.

۵- روم (۳۰)، آیه ۲۴.

«و از آسمان آبی فرو می فرستد و زنده می کند با آن زمین را پس از مردن آن».

مردن زمین در این آیه به معنای فاقد گیاه و سبزه بودن است.

۲. حیات حیوانی:

((وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ)) (۱)؛

«شما مرده بودید و او شما را زنده کرد و جان بخشید».

۳. حیات فکری و معنوی:

((اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ)) (۲)؛

«پاسخ دهید خدا و رسول را زمانی که دعوت می کنند شما را به آنچه که شما را زنده می کند».

این حیات، حیات حیوانی نیست؛ بلکه حیاتی برتر است که از آن به حیات معنوی و حیات معقول تعبیر می شود.

۴. حیات ویژه شهیدان

((بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)) (۳)؛

ص: ۷۹

۱- بقره (۲)، آیه ۲۸.

۲- انفال (۸)، آیه ۲۴.

۳- آل عمران (۳)، آیه ۱۶۹.

«شهیدان زنده اند و در پیشگاه پروردگارشان روزی می خورند».

این نوع حیات بسیار برتر و گسترده تر از زندگی دنیوی است.

مقصود از ((وَ أَخِي بِهِ عِبَادَكَ))؛ حیات معنوی و معقول است که در پرتو هدایت های حضرت

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت می گیرد.

حصول این مرتبه حیات مرتبط با تحقق دیگر اهداف جامعه مهدوی است و بدون آنکه بخش های دیگر آن جامعه آرمانی تحقق یابد، حیات معنوی مورد نظر تحقق نمی یابد.

جامعه ای دارای حیات واقعی و برتر است که عرصه برای شکوفایی همه استعداد های انسان _ به دور از فساد و تبعیض و دغدغه های دیگر _ فراهم باشد و این همان جامعه موعود مهدوی است.

[

۴۶. «فَأَنْتَ كُفُوتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي

ص: ۸۰

الْبُرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»؛

«خدایا تو فرمودی و گفتار تو حق است که: آشکار شد فساد در خشکی و دریا به واسطه دست‌آورد‌های اعمال مردم!»

بشر به رغم تلاش‌ها و پیشرفت‌هایش، آنچه که به دست آورد به فساد در زمین منجر شده و انواع مخاطرات را در پی داشته است.

[

۴۷. «فَظَهِّرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيِّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ»؛

«پس خداوند! ولی خود و پسر دختر پیامبرت — که هم نام رسول تو است — بر ما ظاهر ساز!»

برای تحقق کامل هدف‌های ذکر شده در جملات قبل این دعا، تنها راه ظهور ولی خدا، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

در این جملات چند خصوصیت برای حضرت ذکر شده است:

۱. ولی خدا؛

ولی به معنای دوست و سرپرست است. امام علیه السلام از یکسو محبوب و حبيب خداوند است و از سوی دیگر سرپرست مؤمنان است.

ص: ۸۱

از ویژگی های حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آن است که وی فرزند فاطمه زهرا علیها السلام دختر گرامی پیامبر است؛ یعنی آن حضرت را صرفاً بایستی در فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام جستجو کرد. و این خود راه را بر بسیاری از مدعیان دروغین خواهد بست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی)) (۱)؛

«من دو چیز گران سنگ در بین شما می گذارم: کتاب خدا و عترت من».

یعنی همان گونه که قرآن تا ابد باقی است، عترت پیامبر نیز به عنوان حجت و الگو، همیشه در کنار آن قرار دارد. این عترت، ذریه پاک فاطمه زهرا علیها السلام است.

نام و صفات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اخبار رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام کاملاً مشخص و معلوم شده است.

بنابر اخبار فراوان نام حضرت «م.ح.م.د» است که همانند نام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

ص: ۸۲

۴۸. «حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِّنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ وَيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ»؛

«تا آن حضرتش به باطلی دست نیابد، مگر آنکه آن را مضمحل سازد و حق را بر پا داشته و آن را پیاده کند!»

تثبیت حق، نیازمند پیاده سازی و محو کردن باطل، محتاج تلاش برای فرو ریختن آن است.

اگر حق، قاطعانه در میدان نباشد، باطل گسترش می یابد و تارهای عنکبوتی خود را همه جا می تند. سرنوشت نهایی تاریخ، فراز آمدن حق و فرود آمدن باطل است.

((وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ)) (۱)؛

«بگو: حق آمد و باطل از میان رفت».

امام باقر علیه السلام درباره آیه فوق فرمود:

((إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ)) (۲).

«زمانی که قائم علیه السلام قیام کند، دولت باطل از بین می رود».

ص: ۸۳

۱- اسراء (۱۷)، آیه ۸۱.

۲- کافی، ج ۸، ص ۲۸۸.

خداوند پیروزی دین حق را بر همه ادیان تضمین کرده است:

((هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)) (۱)؛

«اوست که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین ها غلبه بخشد».

این مضمون سه بار در قرآن مجید تکرار شده است. (۲)

از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره این آیه روایت شده است:

((يُظْهِرُهُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ)) (۳).

«خداوند به هنگام قیام قائم، دین حق را بر همه ادیان غلبه می بخشد».

[

۴۹. «وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ»؛

«بار خدایا! او را پناه بندگان مظلومت قرار ده!»

ص: ۸۴

۱- توبه (۹)، آیه ۳۳.

۲- ر.ک: فتح (۴۸)، آیه ۲۸ و صف (۶۱)، آیه ۹.

۳- کافی، ج ۱، ص ۴۳۳.

اساس حاکمیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از بین بردن ظلم و بی عدالتی است. پس ظهور حضرت موجب آن می گردد که افراد مورد ستم _ از هر قشر و طبقه و از هر دین و آیین _ به آن حضرت توجه نموده و حل مشکل و رفع ظلم بر خود را از آن حضرت طلب کنند. این ویژگی بسیار مهم و برجسته در حکومت مهدوی وجود دارد، چرا که در آن هیچ مظلومی از گرفتن حق خود مایوس نشده و با امیدواری برای رفع ظلم اقدام می کند.

خداوند وعده کرده است که از مظلومان و ستمدیدگان، حمایت و آنان را یاری خواهد کرد.

((وَلَمَنِ اتَّصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ

مِّن سَبِيلٍ)) (۱)؛

«و کسی که پس از مظلوم شدن [برای دفع ظلم] یاری می طلبد، راهی برای مواخذه آنان نیست».

امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرمود: آن قائم ما است که وقتی قیام می کند، از بنی امیه و تکذیب کنندگان و بدگویان انتقام می گیرد.

ص: ۸۵

خداوند به مجموعه مستضعفان تاریخ نیز وعده داده است:

((وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)) (۱)؛

«و خواستیم که به مستضعفان زمین نعمتی سنگین داده و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم».

تحقق این خواسته با ظهور دولت مهدوی و حاکمیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و او اجرا کننده خواست خداوند در زمین خواهد بود.

ص: ۸۶

۱- قصص (۲۸)، آیه ۵.

خداوند مؤمنان را توبیخ کرده است که چرا در راه خدا و برای نجات مظلومان به کارزار با ظالمان نمی پردازند.

((وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا)) (۱)؛

«چرا در راه خدا کارزار نمی کنید، حال آنکه مستضعفان از مردان و زنان و کودکان که می گویند خدایا! ما را از این دیاری که اهل آن ستمگرند، خارج کن.»

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود:

((دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ مُسْتَجَابَةٌ وَإِنْ كَانَتْ مِنْ فَاجِرٍ مَخُوفٍ عَلَى نَفْسِهِ)) (۲).

«دعای مظلوم مستجاب است اگر چه از فاجری که بر خود خائف است باشد.»

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خود، به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام فرمود:

ص: ۸۷

۱- نساء (۴)، آیه ۷۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۳۰.

((كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا)) (۱).

«در برابر ظالم دشمن و برای مظلوم کمک باشید».

همچنین حضرت می فرماید:

من بارها از رسول خدا شنیدم که فرمود: «امتی که حق ضعیف را از قوی، بدون تزلزل و تردید نگیرد، هرگز پاکیزه نمی شود» (۲).

[

۵۰. «و ناصراً لمن لا یجد له ناصراً غیرک»؛

«و یاور برای کسی که جز تو یآوری نمی یابد!»

نهایت مظلومیت آن نیست که هیچ کس به یاری مظلوم نشتابد؛ بلکه آن است که مظلوم کسی را برای یاری نیابد.

چنین مظلومی ندایش به آسمان می رسد و ناله او بسی کارساز است. امام حسین علیه السلام در وصیت به فرزندشان می فرماید:

((إِيَّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ)) (۳)؛

ص: ۸۸

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۳۲.

«بر حذر باش که به کسی ظلم کنی که جز خداوند یآوری ندارد».

یاور چنین مظلومانی، خداوند است و جانشینان او نیز این وظیفه را بر عهده دارند.

[

۵۱. «و مُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ»؛

«و او را تجدید کننده احکام قرآن که تعطیل شده است قرار بده!»

مهجوریت قرآن

از جمله شکایت های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در قیامت، شکایت از امت است؛ چرا که آنان قرآن را مهجور قرار داده اند.

((وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا)) (۱)؛

«و رسول گفت: پروردگارا! همانا قوم من این قرآن را متروک قرار دادند».

در زیارات ائمه علیهم السلام می خوانیم که آنان احیاگران و عاملان به کتاب خدا هستند:

«وَعَمِلَتْ بِكِتَابِهِ» (۲).

ص: ۸۹

۱- فرقان (۲۵)، آیه ۳۰.

۲- زیارت امین الله.

بر این اساس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم عامل به کتاب خداوند و هم برپادارنده احکام آن است.

پیش از ظهور، قرآن به اندازه ای مهجور می گردد که وقتی حضرت قیام می کند، چنان تصور می شود که قرآن و دین جدیدی آورده است.

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است:

((يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ)) (۱).

روشن است که امر جدید و کتاب جدید، بدان معنا نیست که آن کتاب غیر قرآن است؛ بلکه از آنجا که قرآن و تعالیم آن متروک شده است، گویا کتاب جدید و سخن تازه ای آورده است.

[

۵۲. «و مُسَيِّدًا لِّمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»؛

«و او را استحکام بخش نشانه ها و شعارهای دینت و سنت های پیامبرت صلی الله علیه و آله و سلم قرار ده!»

ص: ۹۰

چنان که گفته شد، در کنار قرآن، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم _ که در عترت او تجلی می یابد _ همانند قرآن منع و مستند تعالیم دین است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان گونه که بر پا دارنده قرآن است، احیاگر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شعارهای دین الهی نیز می باشد:

حیات و بقای هر دینی به سنت ها و بزرگداشت شعائر آن است.

((وَمَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ)) (۱)؛

«وکسی که شعائر الهی را بزرگ بدارد آن نشانه تقوای دلهاست».

شعائر الهی بسیارند؛ مساجد، نماز، زکات، حج، روزه و... نمونه ای از آنها است.

[

۵۳. «وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ»؛

«بار خدایا! او را از کسانی قرار ده که از آزار و فشار متجاوزان در امان باشد!»

دعا برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص: ۹۱

۱- حج (۲۲)، آیه ۳۲.

یکی از پرسش‌هایی که مطرح می‌شود این است که:

«امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه نیاز به دعای ما دارد؟ مگر خداوند خود حافظ آن حضرت نیست؟»

پاسخ: دعا یکی از عوامل موثر در امور عالم و از جمله اسبابی است که خداوند برای آن نقش قرار داده است.

دعا حتی برای شخصیتی چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و انبیای بزرگ الهی، کارساز بوده و هست.

پیامبران علیهم السلام هم خود دست به دعا بر

می‌داشته و از خداوند درخواست می‌کرده‌اند و هم دیگران را به دعا بر می‌انگیخته‌اند.

معنای درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

خداوند و فرشتگان او، بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود می‌فرستند و از مؤمنان نیز خواسته شده که بر آن حضرت درود فرستند. صلوات، دعا و درخواست رحمت است. چنین کاری نمی‌تواند فاقد تاثیر باشد و خداوند ما را به کاری لغو فرمان نداده است و فرمان لغو از ذات اقدس او محال است. (سبحان الله)

مشکلات عصر ظهور

ص: ۹۲

بر قراری حکومت عدل در سطح جهان، بدون شک با دشمنی ها و مخالفت های فراوانی روبه رو خواهد شد؛ چرا که مستکبران و مشرکان بی کار نخواهند نشست.

در این گیرودار، علاوه بر آنکه خود حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف در معرض آسیب های دشمنان است. اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در معرض آزارها و مصایب فراوان قرار می گیرند.

دعا برای محفوظ ماندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علاوه بر آن که در سلامت بیشتر حضرت تاثیر دارد، در کاهش صدمات به اصحاب و یاران حضرت نیز مؤثر خواهد بود. بنابراین دعا نقش مهمی در کاستن آسیب ها و صدمات به آن حضرت و یاران او دارد.

نکته دیگر آن که، آسیب به یاران حضرت در حقیقت آسیب به حضرت است. زمانی که دعا می کنیم خداوند حضرتش را از گزند دشمنان حفظ کند در حقیقت دعا برای محفوظ ماندن یاران او نیز هست.

آری آسیب رسیدن به یاران حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر او سخت است.

خداوند در توصیف پیامبر اسلام می فرماید:

((عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ)) (۱)؛

«رنج کشیدن شما بر پیامبر سخت است؛ بر هدایت شما حریص است و او به مؤمنان دلسوز و مهربان است».

سیره و اخلاق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همانند جدش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. رنج و سختی مؤمنان، رنج او است و سرور و شادی آنان، موجب شادمانی او است.

[

۵۴. «اللَّهُمَّ وَ سُرَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرُؤُوفَتِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَي دَعْوَتِهِ»؛

«بار خدایا! پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و کسانی که با دعوت او (حضرت مهدی) او را پیروی می کنند، با دیدن او شاد فرما!»

اسباب شادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از پیشرفت دین خدا، نابودی ظلم و برقراری عدل شادمان می شود.

ص: ۹۴

رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به قدری اهمیت دارد که رضایت آن حضرت، یکی از سبب های تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه اعلام شده است.

((فَلَنُؤَيِّنَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا)) (۱)؛

«همانا تو را به طرف قبله ای که از آن خشنود باشی می گردانیم».

همچنین خداوند، پیامبرش را پس از خود، سزاوارترین فردی می داند که بایستی خشنودی او جلب گردد.

((وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضُوهُ)) (۲)؛

«و خدا و رسولش سزاوارترند برای خشنود ساختن».

و بالاخره به پیامبرش وعده فرموده است:

((وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى)) (۳)؛

«و حتما در آینده پروردگارت به تو عطا خواهد کرد تا خشنود گردی».

در این قسمت از دعای عهد، از خداوند

می خواهیم که دل پیامبرش را به ظهور حضرت

ص: ۹۵

۱- بقره (۲)، آیه ۱۴۴.

۲- توبه (۹)، آیه ۶۲.

۳- ضحی (۹۳)، آیه ۵.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شاد کند؛ چرا که ظهور آن حضرت زمان غلبه یافتن دین حق بر مکاتب دیگر است:

((لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)) (۱).

معنای دیگری نیز برای این جمله متصور است و آن دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با فرزندش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران رجعت است.

این صحنه بسی شادی آفرین و بهجت زا است؛ چرا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم تحقق وعده های خداوند را به دست فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد دید و این اوج افتخار و شادمانی است.

همچنین زیارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، برای کسانی که در رکابش آماده رزم شده و در هر شرایطی از او پیروی می کنند، افتخار و فیض بزرگی است.

برای سربازان میدان رزم که عاشقانه در آن حضور می یابند، درک محضر فرمانده خود، بسیار ارزشمند و شادی بخش است (۲).

ص: ۹۶

۱- توبه (۹)، آیه ۳۳.

۲- در جنگ تحمیلی زمانی که فرماندهان در بین بسیجیان حضور می یافتند، صحنه هایی آفریده می شد که هیچ گاه از خاطره ها محو نخواهد شد.

[

۵۵. «وَ اَرْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ»؛

«و بر ذلت ما پس از پیامبرت رحم کن!»

در دعای «افتتاح» می خوانیم: خدایا! ما از نبود پیامبرمان و غیبت ولیّ خود و فراوانی دشمنانمان به تو شکایت می کنیم.

روشن است که فقدان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نبود امام در بین مردم، عوارضی را ایجاد می کند. یکی از راه های جبران این ضایعات، دعا به درگاه خداوند برای کاهش این ضایعات است.

[

۵۶. «اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ»؛

«بار خدایا! این گرفتاری را از این امت با ظهور حضرت بر طرف فرما!»

غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و محقق شدن آرمان های حکومت عدل الهی بر روی زمین و خسارت هایی که از این ناحیه بر امت اسلامی وارد می شود، بزرگترین گرفتاری امت است.

ص: ۹۷

در این جا نکته ای را باید متذکر شد و آن این که: اگر با ظهور حضرت این گرفتاری ها برطرف می شود، چرا خداوند فرمان ظهور را صادر نمی کند؟

پاسخ: گرفتاری ها و کاستی های امت اسلام، تنها با رخداد ظهور حل و فصل نمی شود؛ بلکه بایستی آمادگی امت اسلام و کمال عقلی و عملی آنان به درجه خاصی رسیده باشد، تا بتوانند اهداف ظهور را تحقق بخشند.

از همین رو در تاریخ، بارها دیده شده که در عین حضور پیامبران در بین مردم، به دلیل فقدان آمادگی معرفتی و عملی، اهداف پیامبران تحقق نیافته؛ بلکه مشکلات بزرگی نیز بر سر راه آنان ایجاد شده است.

حضرت موسی علیه السلام نمونه ای از این واقعه است. او با نجات بنی اسرائیل از حکومت فراعنه و با ارائه آیات الهی در موقعیت های مختلف، بنی اسرائیل را به سمت بیت المقدس روانه ساخت تا آنجا را از حکومت ظالمان نجات بخشد و بنی اسرائیل را در آن سرزمین اسکان دهد؛ ولی آنان با صدها عذر و بهانه به فرمان پیامبرشان

گردن ننهادهند؛ بلکه راه عصیان و تمرد در پیش گرفتند!!.

گاهی در فراق عدس و پیاز با حضرت موسی علیه السلام سخن گفتند:

((فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا)) (۱)؛

«ای موسی! پروردگارت را بخوان تا از رویدنی های زمین از سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز برای ما بیرون آورد».

آنان تنها به این درماندگی و میل به سکون، اکتفا نکردند؛ بلکه تا آنجا پیش رفتند که:

((كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ)) (۲)؛

«به آیات الهی کفر می ورزیدند و انبیای الهی را به ناحق می کشتند».

گوساله پرستی، بهانه گیری، سستی و گریز از سختی های راه خدا و... بخش دیگری از

ص: ۹۹

۱- بقره (۲)، آیه ۶۱.

۲- بقره (۲)، آیه ۶۱.

عکس العمل های بنی اسرائیل در برابر پیامبرشان حضرت موسی علیه السلام و جانشینان آن حضرت بود.

پس علاوه بر مکتب کامل و پیشوای الهی، رکن دیگری برای عملی شدن اهداف پیامبران علیهم السلام ضروری است و آن آمادگی مردم برای پیاده سازی آن اهداف است.

مردم جهان در عصر غیبت، در روندی طولانی و شگفت انگیز، مکاتب مختلف را تجربه کرده اند تا به این اطمینان برسند که بایستی دست به سوی آسمان بردارند و منجی الهی طلب کنند، تا آنان را از تنگناها و ظلمت ها، برهاند و به راه مستقیم هدایت کند.

[

۵۷. «وَ عَجَّلْ لَنَا ظُهُورَهُ»؛

«بار خدایا! در ظهورش تعجیل کن!»

از جمله آموزه های ائمه علیهم السلام به شاگردان خاص خود، دعا برای تعجیل فرج بوده است.

محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام کیفیت خطبه و دعای نماز جمعه را به من آموخت؛ از جمله آنها دعا برای تعجیل فرج بود(۱).

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه به محمد بن عثمان فرمود:

ص: ۱۰۰

۱- کافی، ج ۷، ص ۳۴۳.

((وَ اكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ)) (۱)؛

«برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید».

معنای فرج چیست؟

فرج به معنای گشایش است. از جمله تعالیم دین آن است که مؤمن نباید هیچ گاه از گشایش در امور ناامید شود.

دعا برای تعجیل فرج؛ یعنی دعا برای اینکه خداوند زودتر گشایش ایجاد کند.

هیچ گشایشی در این جهان، مهم تر از ظهور حجت الهی نیست؛ چرا که با ظهور او، همه مشکلات حل و الگوی حکومت الهی بر روی زمین پیاده خواهد شد.

[

۵۸. «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً»؛

«همانا آنان ظهور را دور می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم!»

منکران ظهور، اساس مهدویت را قبول ندارند و در اینجا دور دانستن آن، کنایه از ایمان

ص: ۱۰۱

نداشتن به پیش آمدن چنین رخدادی است؛ ولی ما نه تنها به آن ایمان داریم، بلکه آن را نزدیک می بینیم.

معنای نزدیک بودن فرج چیست؟

با توجه به اینکه زمان ظهور معلوم نیست و علم آن نزد خداوند است، چگونه می توان آن را نزدیک دانست؟

قرآن مجید قیامت را نزدیک می داند، با آنکه زمان آن بر هیچ کس معلوم نیست:

((اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ)) (۱)؛

«قیامت نزدیک شد و ماه شکافته شد».

بیش از هزار و چند صد سال گذشته است، حال چگونه قرآن قیامت را نزدیک می داند؟

پاسخ:

یکم: هر چیزی که حتما آمدنی است، نزدیک است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

((كُلُّ مَا هُوَ آتٍ فَهُوَ قَرِيبٌ)) (۲).

ص: ۱۰۲

۱- قمر (۵۴)، آیه ۱.

۲- دعوات راوندی، ص ۲۳۱.

«هر چیزی که می آید نزدیک است».

از امیرمؤمنان علی علیه السلام پرسیدند: نزدیک و نزدیک تر چیست؟ حضرت پاسخ دادند:

«هر چه که آمدنی است، نزدیک است و نزدیک تر مرگ است»^(۱)؛

بنابراین ظهور نیز چون حتما صورت خواهد گرفت، نزدیک است.

دوم: آنچه که ما آن را دور و نزدیک

می پنداریم، متناسب با ابعاد و ظرفیت های خود ما است. وقتی که عمر تاریخ را با عمر بشر ملاحظه می کنیم، لحظه ای بیشتر نیست، حال آنکه عمر صدساله مدتی طولانی به نظر می رسد.

برای خالق جهان و تاریخ، رخدادها با هم فاصله ای ندارند. آنچه به نظر ما دور می رسد، واقعا نزدیک است.

سوم: در صورت تحقق شرایط واقعا ظهور به یقین نزدیک است. آنچه که ظهور را به تاخیر می اندازد، آماده نبودن واقعی ما برای آن حادثه بزرگ است. اگر خود را آماده کنیم، واقعا ظهور نزدیک است.

ص: ۱۰۳

۵۹. «الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ»؛

«تعجیل کن، تعجیل کن، ای مولای من ای صاحب زمان!»

در این قسمت _ علاوه بر آنکه از خداوند

خواسته ایم که ظهور حضرتش را نزدیک فرماید _ از خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز می خواهیم که برای ظهورش تعجیل کند.

تعجیل حضرت برای ظهور، با دعا به درگاه خداوند و دعا برای امت، جهت آمادگی ظهور است.

الحمد لله اولاً و آخراً

قم: رجب المرجب ۱۴۲۶هـ. ق.

مردادماه ۱۳۸۴هـ. ش.

ص: ۱۰۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

